



۱۱

جایزه سیدنی برای فیلم «هفت و نیم»



۱۰

چرا با وجود مهار قیمت کاغذ و کاهش نسبی آن در ماه‌های اخیر، قیمت کتاب در مقایسه با سال گذشته ۵۸ درصد گران‌تر شده است

کاغذ بازی هایی برای کاغذ

۱۲

گفت‌وگو با داوود خیام، کارگردان سینما به بهانه روز جهانی مبارزه با فساد

هشدار با «ماحی»

کلّه‌ها علیه خلاقیت!

چرا پوسترهای فیلم‌های سینمایی ایران حال و روز خوبی ندارند؟







پوستر و عکس فیلم‌های مطرب، سمفونی نهم و خداحافظ دختر شیرازی

۱۱

نقش فروشی‌ها در عالم تئاتر هم جای پای خود را باز کرده‌اند
آن‌قدر که می‌توانید بدون تجربه قبلی هم بازیگر شوید

خاک صحنه کیلویی ۴۰۰ میلیون تومان!



زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

می‌توانید برای خودتان نقش بخرید. تعجب می‌کنید؟ پرسید چطور؟ چرا؟ پاسخ دادن به این سؤال خیلی راحت است. الان برایتان می‌گویم. می‌توانید برای خودتان نقش بخرید چون هستند کسانی که نقش بفروشند. می‌توانید مبلغی بپردازید و روی صحنه تئاتر برای خودتان جولان بدهید. البته باید حاضر باشید دست به جیب شوید و هزینه کنید. نرخ‌ها هم متفاوت است. آن‌طور که هنرجویان و بازیگران آماتور یا شناخته نشده می‌گویند حتی امکان حضور آنها که قبلا هیچ تجربه‌ای نداشتند روی صحنه فراهم است و می‌شود خیلی راحت بازیگر تئاتر شد. خلاصه خاك صحنه خوردن پر! در ادامه همین ماجرا می‌رویم سراغ بازیگران و دانش‌آموختگان تئاتر تا هر کدام برایمان از این بگویند که ماجرای نقش فروشی‌ها را چطور دیده و در چه ابعادی با آن برخورد داشته‌اند.

یك.دانشگاه

روایت یك دانشجوی تئاتر

یکی از اتفاقات عجیب نقش فروشی این است که ظاهرا این پدیده پایش به دانشگاه‌های هنر هم باز شده است. یکی از دانشجویان تئاتر این پدیده را امری معمول دانسته و تجربه‌اش را این‌طور بیان می‌کند: استادمان به ما گفت بیایید یك کاری با هم ببریم روی صحنه. ما هم هیجان زده شدیم که چقدر عالی! اما بعدتر متوجه شدیم که قرار است ما پول بدهیم تا کار اجرا شود. او ادامه می‌دهد: پول سالن و دیگر عواملی که کار نیاز دارد پای ما باشد و ایشان که از دانشگاه هم حقوق می‌گیرد، دست در جیب مبارك نبرد برای کاری که قرار است نامش به عنوان کارگردان و شاید هم تهیه‌کننده پای آن بخورد. بعد هم بلیت بفروشد و از مردم پول بگیرد! این بازیگر می‌گوید: حالا اینها را بگذارید کنار این‌که جناب استادمان به احتمال زیاد از مرکز هنرهای نمایشی هم به شکل حمایتی کمکی دریافت خواهد کرد تا کار دانشجویی را روی صحنه ببرد.

دوم.تئاتر استانی

روایت یك بازیگر تئاتر استانی

ظاهرا نقش فروشی در دیگر استان‌ها هم نقش پررنگی دارد. آن‌قدر که برخی بازیگران مجبورند برای نقش گرفتن حتما پول بپردازند و در غیر این صورت پیشرفت در کار و ادامه مسیر برایشان بسیار دشوار خواهد بود. یك بازیگر تئاتر در شیراز می‌گوید: پول دادن برای بازی در تئاتر یك روال معمول شده و می‌گویند برای اجرا رفتن و حفظ کار باید ما هم کمك و همراهی کنیم، در غیر این صورت امکان اجرای کار فراهم نخواهد شد.
وقتی به او می‌گوییم همه به روال شدن یك رفتار اشتباه کمك کرده‌اند، این‌طور توضیح می‌دهد: چاره‌ای نداریم! حمایت خاصی نیست و از تهران دوریم. ضمن این‌که حالا تهران هم بیایید اوضاع چندان فرقی ندارد. برای ما شناخته نشده‌ها همه جا آسمان همین رنگ است و در تهران هم باید پول بدهیم تا نقش بگیریم.

سوم.شناخته نشده‌ها

بازیگران پول پلاتو را می‌دهند

بازیگرانی هستند که اتفاقا حرفه‌ای هستند، اما هنوز شناخته نشده‌اند. آنها هم درگیر همین پدیده نقش فروشی و تبعات آن هستند. یك بازیگر حرفه‌ای می‌گوید: تجربه‌های زیادی دارم که واقعا مایه ناراحتی‌ام است. مثلا یك بار کار را به بازبینی رساندیم، به ما گفتند باید نفری ۶۰۰ هزار تومان بدهید تا تاییدیه بازبینی را بگیریم! من کار را ادامه ندادم و بعد از چند ماه تمرین بی‌خیال کار شدم.
از او می‌پرسم واقعا بازبین پول می‌گرفته؟ و با این پاسخ مواجه می‌شوم: پیگیری نکردم، راستش حوصله ندارم. از این اتفاق‌ها کم نیست، اما امیدوارم مسؤولان این حرف‌های من را بخوانند و خودشان پیگیر شوند. این‌که بازبین پول می‌گیرد یا نه، نباید دغدغه من بازیگر باشد.
این بازیگر می‌گوید: کارگردان‌ها وقتی می‌خواهند پلاتویی برای تمرین بگیرند هم به بازیگران می‌گویند هر جلسه مبلغ را با هم تقسیم کنیم که به کسی فشار نیاید! می‌بینید چقدر منصف هستند (با خنده) این را هم بگو که یکی دو تا کارگردان هم از من مثلا پول قرض گرفتند و بعد که مبلغ را خواستم گفتند هزینه کار شده! مبلغ را از قراردادم هم کم کردند.

چهارم.حیرت‌انگیز

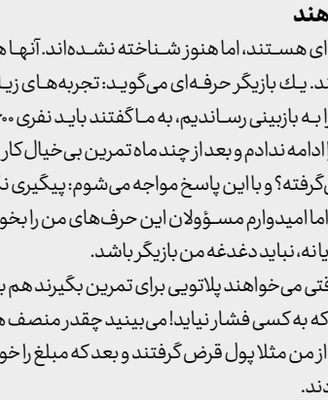
نقش مقابل سلبریتی‌ها شدن!

بازی در یك تئاتر معمولی با بازی در نقش مقابل یك چهره معروف مبلغ متفاوتی دارد؟ چه سؤالی است که مطرح می‌کنم! مسلما متفاوت است. یك بازیگر می‌گوید مبالغ کم و بازی در تئاترهای معمولی‌تر را رها کنید. بروید سراغ نقش مقابل چهره‌ها تا ببینید چه مبالغی جابه‌جا می‌شود. مثلا با یکی از دوستان من برای بازی در نقش مقابل شهاب حسینی پیشنهاد دریافت ۴۰۰ میلیون تومان را مطرح کرده بودند.
او ادامه می‌دهد: دوستم هم گفته بود اگر ۴۰۰ میلیون تومان داشتم که عشق بازیگری نبودم! سر کوچه سوپر مارکت زده بودم و درآمد خوبی داشتم. حالا فکرش را بکنید این ادعای مطروحه درست باشد، احتمالا خود شهاب حسینی هم متعجب و با چشمان گرد اطرافش را تماشا خواهد کرد و از این به بعد نقش‌های مقابلش را با دقت نگاه کرده و بررسی خواهد کرد که طرف چقدر هزینه کرده تا روی صحنه مقابل او بایستد!

پنجم.گذر از حیرت!

ماجرای بوتیك‌دار راسته کریمخان!

خب پس با این حساب سوپرمارکت‌دار سرکوچه می‌تواند خیلی راحت بازیگر تئاتر شود. شوخی که فکر نمی‌کنم موجب شود جناب بازیگر از ابعاد دیگری حرف بزند و خاطره‌ای را تعریف کند از یك گروه تئاتری که همین امسال کارش را روی صحنه هم برده است! او این‌طور روایت می‌کند: یکی از دوستان کارگردان دنبال بازیگری می‌گشت که دستمزد نخواهد که هیچ، یك پولی هم بدهد و بازی کند. این بازیگر اظهار می‌کند: خلاصه که رفت با یك بوتیك‌دار در محدوده راسته کریمخان و هفت تیر حرف زد، ۲۰ میلیون تومان از او گرفت و نقش اول کار را به او داد.



به همین راحتی! خلاصه که من توقعی ندارم بتوانم راحت رشد کنم و پیش بروم.

پایان.اینجا چه خبره؟

جای خالی نظارت

باز هم قانون. پایش که می‌لنگد همه چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. اگر واقعا نقش فروشی به همین سادگی باشد که بوتیك دار راسته کریمخان پول بدهد و بازیگر شود، باید دانشگاه‌ها رشته هنرهای نمایشی را تعطیل کنند و آنها که توان نقش خریدن دارند پا روی صحنه تئاتر بگذارند.
اگر هم این بازیگران ماجرا را بزرگ کرده و به آن پر و بال داده‌اند، باز هم مرکز هنرهای نمایشی باید به آیین‌نامه‌های خود و آنچه روی صحنه تئاتر می‌گذرد نگاه دقیق‌تری داشته باشد، چون در نقش فروشی‌ها شکی نیست و اتفاقی است که پیشتر در سینما شروع شده و حالا هم پا به تئاتر گذاشته، یعنی در وجود این پدیده شك و ابهامی نیست.
این‌که تهران حالا سالن‌های نمایشی متعددی دارد، اتفاق خوبی است اما آیا این امکان باید تبدیل به فضایی شود برای راحت‌تر کار کردن آنها که ترجیح می‌دهند با سودجویی برای خود رزومه بسازند و برخی بازیگر را هم وارد این بازی کنند؟

حاشیه هفته

کنکوری‌ها نباید معاف باشند

این قضیه معافیت مالیاتی فرهنگ و هنر و کسب و کارهای وابسته به آن حسابی دارد بیخ پیدا می‌کند. بعد از کش و قوس‌های فراوان در نهایت سازمان برنامه و بودجه با معافیت مالیاتی این موضوع موافقت کرد. این وسط بعضی حرف و حدیث‌ها هم پیش آمد که بعضی از موسساتی که ظاهرا اسم فرهنگی را به یدك می‌کشند هم مشمول این قاعده می‌شوند یا نه. دقیق‌تر خواسته باشید باید اسم بعضی از موسسات کنکور را بیاوریم که معمولا عنوان فرهنگی را به عنوان پسوند یا پیشوند یدك می‌کشند و فعالیت انتشاراتی هم دارند. حالا یکی از نمایندگان مجلس که این قضیه به گوشش خورده حسابی آمپر چسبانده که این موسسات با درآمد میلیاردی نباید شامل معافیت مالیاتی باشند.
جناب اسدا... عباسی درباره معافیت موسسات آموزشی و کنکور از پرداخت مالیات براساس اظهارات رئیس سازمان برنامه و بودجه و استناد به ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم حسابی به این موضوع توپیده که دولت به هیچ عنوان نمی‌تواند به صورت مستقل در خصوص معافیت‌های مالیاتی تصمیم‌گیری کند و قطعا درباره معافیت موسسات کنکوری که گردش مالی بالایی دارند، مجلس از بعد نظارتی خود استفاده خواهد کرد.
جناب عباسی که نمایندگی مردم رودسر را هم در مجلس شورای اسلامی برعهده دارد در ادامه بحث تفکیك درآمدها در حوزه فرهنگ و هنر را پیش کشیده و اضافه کرده که بسیاری با استناد به ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم عنوان کرده‌اند که چهره‌های معروف و هنرمندان پردرآمد نیز از پرداخت مالیات معاف هستند؛ در حالی که این موضوع برخلاف عدالت بوده و بایستی اخذ مالیات از هنرمندان پردرآمد و کم‌درآمد تفکیك شود.
جناب عباسی که با حفظ سمت، سخنگویی هیأت رئیسه مجلس شورای اسلامی را هم به عهده دارد، خیلی خیلی تاکید کرده که معافیت‌های مالیاتی باید به تصویب مجلس برسد و دولت در این زمینه نمی‌تواند رأسا عمل کند، افزود: حتی یکی از مصوبات مجلس، در خصوص اخذ مالیات از شرکت‌ها و موسساتی است که سودهای هنگفتی دارند؛ لذا این برداشت از قانون به هیچ وجه مورد تایید قانونگذار نیست.
نماینده مردم رودسر در ادامه دست به یك مقایسه جالب زده و گفته در شرایطی که معلمان بازنشسته حقوق دو میلیون تومانی دریافت می‌کنند، عدم اخذ مالیات از موسسات کنکوری که درآمد ده هزار میلیاردی دارند، هیچ توجیهی ندارد.
عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس افزود: دریافت نکردن مالیات از موسسات کنکوری به هیچ عنوان مصوبه مجلس نیست و اگر نیاز باشد مجلس در این زمینه طرح استفساریه تهیه خواهد کرد که جلوی این روند گرفته شود.
خلاصه که فعلا این خط و نشان‌ها را داشته باشید تا در ادامه ببینیم این قضیه پرحاشیه به کجا خواهد رسید.

پشت صحنه

کارتابل فرهنگی و ایرادهای سیستماتیك

برای ساعتی، فیوز چند نفر از بچه‌های گروه فرهنگی با هم پرید! طوطیان شیرین سخن چنین حمایت کنند که خبرنگاران گروه فرهنگی شامل تاخیرهای زیادی در ورود به مجموعه هستند. البته این را هم ذکر کنیم که این تاخیر صرفا به دلیل ورود به مجموعه دیرتر از ساعت اداری است وگرنه همین بر و بچز، بعضا تا پاسی از شب هم در تحریریه هستند و مشغول پیگیری امور محوله. با این حال، مقدار ساعتی را که از آن طرف اضافه می‌مانند محاسبه نمی‌شود ولی خب از این طرف که دیر می‌آیند، تاخیر می‌خورند و مشمول کسر کار!
بر همین مبنا و به همین دلیل هم روز به روز که قدم به تحریریه می‌گذارند در نخستین اقدام، میزان تاخیر خود را به حکم مرخصی ساعتی در سامانه تمام هوشمند جام جم ثبت می‌کنند که آخر ماه، کرك و پرشان با کسر کارهای چند صد هزار تومانی نریزد! حالا داشته باشید که روز گذشته چند نفر از بچه‌ها با باز کردن کارتابل اداری و اقدام برای ثبت مرخصی ساعتی با این پیام روبه‌رو شدند که به دلیل عبور از سقف ساعت مرخصی، دیگر امکان ثبت مرخصی ندارند و این یعنی باید تا آخر سال دقیقا راس ساعت در محل حاضر شوند و در ادامه هم پریدن همزمان فیوزهای علیزاده و محمدی و مرتضایی‌فرد و قنبری! گفتیم که در جریان باشید با چه دغدغه‌هایی بعضا روبه‌رو هستیم! بماند که استرس رفته باز آمد و مشخص شد ایراد سیستماتیك است و این صحبت‌ها!
و اما بعد... آهان این را هم بگوییم که این نیمچه ستون پشت صحنه‌وارانه حسابی توی تحریریه مخاطب و مشتری پیدا کرده و طبق گفته مرتضایی‌فرد، سرانه مطالعه جام جم‌خوانی را در تحریریه جام جم بالا برده. خلاصه که اینجوری‌هاست.
و اما بعد... مرتضایی‌فرد در همین صفحه دست گذاشته روی یك سوژه بترکان. قضیه از این قرار است که در تئاتر بعضی نقش‌فروشی‌ها دارد اتفاق می‌افتد و بیگاری و سوءاستفاده از تئاتری‌های آماتور! توی همین صفحه هم حسابی درباره آن حرف زده!
ساناز قنبری هم یك عقبه و ریشه سینمایی برای بحث‌هایی مثل مبارزه با فساد اقتصادی و امثالهم پیدا کرده و پی آن را گرفته و با کارگردان فیلم «ماحی» گپ زده.
گپ و گفت قنبری را هم ورق بزنید و بروید صفحه ۱۲. علی رستگار دیگر خبرنگار پرتلاش سینمایی هم در نیمچه صفحه آگهی مالیده شده ۱۱ رفته سراغ طراحی‌های چپ‌اندر قیچی پوسترهای فیلم‌های سینمایی و مقایسه آنها با آثار مطرح سینمای جهان. این وسط طاها ذاکر طراح و برنده سیمرغ جشنواره هم صحبت کرده. گزارش و گفت‌وگوی بانمك رستگار هم در صفحه ۱۱ قابل خواندن است. از اتاق فرمان اشاره می‌کنند ستون به ته رسید! تا فردا!